

ارسال: ۱۴۰۴/۶/۲۴

پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۸

10.22034/nf.2026.539779.1435

رده‌شناسی ترتیب واژه‌های زبان پشتو

عنایت‌الرحمن مایار* (دانشیار گروه زبان و ادبیات پشتو، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه تعلیم و تربیت کابل، کابل، افغانستان)

چکیده: در این پژوهش ترتیب سازه‌های زبان پشتو از منظر رده‌شناسی زبان بررسی شده است. هدف از این پژوهش مطالعه ترتیب سازه‌ها در زبان پشتو و مقایسه آن با زبان‌های اروپا-آسیا و همچنین زبان‌های جهان است. این پژوهش بر مبنای مقاله درایر (1992) و کتاب رده‌شناسی زبان‌های ایرانی (دبیرمقدم، ۱۳۹۳) که زبان‌های ایرانی را بر بنیاد ۲۴ مؤلفه ترتیب واژه بررسی کرده انجام شده است. داده‌های این تحقیق با توجه به رویکرد میدانی از طریق مشاهده آشکار و مصاحبه‌ها به صورت تصادفی از گویشوران گویش مرکزی (نسبتاً معیار) زبان پشتو جمع‌آوری شده است. درایر زبان‌های جهان را به شش منطقه جغرافیایی تقسیم و مؤلفه‌های معرفی شده را در زبان‌های هر شش منطقه جغرافیایی بررسی کرده است، و در رابطه با هر یک از مؤلفه‌ها (به جز مؤلفه ۲۳) نتایج مشاهدات خود را در جدول‌های جداگانه ارائه کرده است که وضعیت مؤلفه مذکور را در گروه‌زبان‌های هر شش منطقه جهان نشان می‌دهند. زبان پشتو وابسته به جغرافیای اروپا-آسیا است، پس مؤلفه‌های زبان پشتو نخست با زبان‌های منطقه اروپا-آسیا و سپس با زبان‌های جهان مقایسه شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که زبان پشتو در مقایسه با زبان‌های اروپا-آسیا با داشتن ۱۶ مؤلفه فعل پایانی قوی و ۱۵ مؤلفه فعل میانی قوی، در جمع زبان‌های فعل پایانی قوی قرار می‌گیرد. همچنین، در مقایسه با زبان‌های جهان با داشتن ۱۵ مؤلفه فعل پایانی قوی و ۱۵ مؤلفه فعل میانی قوی تمایل یکسان بین رده‌های فعل پایانی قوی و فعل میانی قوی دارد.

کلیدواژه‌ها: رده‌شناسی زبان، ترتیب واژه، زبان‌های ایرانی، زبان پشتو.

* emayar10@gmail.com

۱. مقدمه

رده‌شناسی ترتیب واژه یکی از مباحث بسیار جدید در زبان پشتو است، زبان پشتو متعلق به زبان‌های ایرانی نو شرقی (آریانی) است که در افغانستان، پاکستان، هندوستان، چین (سین کیانگ) و در قسمتی از خاک ایران به آن صحبت می‌شود (نیازی، ۱۴۰۱، ص ۱۱۰).

زبان پشتو دارای گویش‌های بسیاری است، اما در این پژوهش گویش مرکزی آن، که گویش نسبتاً معیاری شناخته می‌شود، به عنوان قلمرو پژوهشی این تحقیق در نظر گرفته شده است. زبان پشتو به دلایل گوناگون، مدت زمانی طولانی از تحقیقات رده‌شناختی بازمانده و از منظر رده‌شناسی زبان مطالعات قابل توجهی درباره آن صورت نگرفته است. در این تحقیق سعی بر آن بوده که وضعیت ترتیب سازه‌های زبان پشتو از منظر رده‌شناسی زبان بررسی شود. رده‌شناسی زبان یکی از زیربخش‌های زبان‌شناسی است که بر بنیاد ویژگی‌های ساختاری تنوع نظام‌مند زبان‌های جهان را مطالعه می‌کند و با در نظر داشت تفاوت‌ها و گوناگونی‌های ساختاری، زبان‌های جهان را در رده‌های مختلف طبقه‌بندی می‌کند (دبیرمقدم، ۱۳۹۳).

موضوع رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها یا به عبارت دیگر همبستگی بین ویژگی‌های ساختاری را دانشمندان مختلف تعریف و توصیف کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به یاکوبسن^۱ (1941, 1949)؛ گرینبرگ^۲ (1963)، هاوکینز^۳ (1983)، درایر^۴ (1992) اشاره کرد. در خصوص زبان‌های ایرانی کتاب رده‌شناسی زبان‌های ایرانی عطف توجه است که در آن دبیرمقدم ترتیب سازه‌های نحوی زبان‌های ایرانی را بر بنیاد مقاله درایر (1992) تحت عنوان «همبستگی ترتیب واژه گرینبرگی»^۵ مطالعه و نکات عالمانه‌ای را بر یافته‌های رده‌شناسی افزوده است. در پژوهش حاضر ترتیب واژه‌های زبان پشتو بر بنیاد مقاله درایر (1992) و الگوگیری از رده‌شناسی زبان‌های ایرانی (دبیرمقدم، ۱۳۹۳) بررسی شده است.

درایر در مقاله مذکور با اتخاذ رویکرد رده‌شناختی گرینبرگ، همبستگی میان برخی ساخت‌های زبانی و ترتیب مفعول را نسبت به فعل بررسی کرده است که پیکره زبانی آن مبتنی بر داده‌های ۶۲۵

1) Jakobson, R.

2) Greenberg, J.

3) Hawkins, J. A.

4) Dryer, M.

5) "The Greenbergian Word Order Correlation"

زبان است. مقاله مذکور چارچوب نظری این تحقیق را تشکیل می‌دهد که در ادامه خلاصه‌ای از مطالب آن ارائه می‌گردد.

درایر در آغاز مقاله خود از پژوهش گرینبرگ (1963) سخن گفته و آن را به تفصیل معرفی کرده‌است. به باور درایر از زمان نشر این مقاله با عنوان «برخی همگانی‌های دستوری با تأکید ویژه بر توالی عناصر معنی‌دار»^۱ مشخص شده‌است که ترتیب جفت‌های خاصی از عناصر دستوری با ترتیب فعل نسبت به مفعول همبستگی دارند. برای مثال، زبان‌های دارای ترتیب مفعول- فعل به پس‌اضافه بودن^۲ تمایل دارند و حروف اضافه^۳ را بعد از مفعول قرار می‌دهند. درحالی‌که زبان‌های دارای ترتیب فعل- مفعول به پیش‌اضافه بودن^۴ تمایل دارند و حروف اضافه را قبل از مفعول قرار می‌دهند (Dryer, 1992, p. 81).

درایر در ادامه دو پرسش مطرح می‌کند، نخست اینکه چرا این همبستگی بین عناصر دستوری وجود دارد؟ دیگر اینکه جفت‌های عناصر دستوری که ترتیب آنها با ترتیب فعل و مفعول همبستگی دارند، کدام‌اند؟ سپس در پاسخ به پرسش نخست می‌گوید که برای همبستگی ترتیب واژه‌ها توضیحات متفاوتی از سوی زبان‌شناسان ارائه شده‌است که مهم‌ترین آنها مرتب کردن هسته با توجه به وابسته‌های آن است که نظریه هسته- وابسته^۵ نامیده می‌شود. به باور درایر، ایراد اصلی نظریه مذکور آن است که در میان زبان‌شناسان در این باره که چه عناصری هسته و چه عناصری وابسته‌اند، اتفاق نظری وجود ندارد. او برای نمونه به جفت صفت + موصوف اشاره کرده‌است که نمونه‌ی اعلامی آن وابسته + هسته است، اما برخی ترتیب معکوس هسته + وابسته را برای آن صحیح می‌دانند. درنتیجه درایر به جای نظریه هسته- وابسته، نظریه سوی انشعاب^۶ را برای تبیین همبستگی‌ها معرفی کرده‌است و در تعریف آن می‌گوید که در نظریه مذکور سازه‌های هم‌الگو با فعل از مقوله‌های غیرگروهی^۷ (غیرانشعابی^۸ / واژگانی^۹) هستند و سازه‌های هم‌الگو با مفعول از مقوله‌های گروهی (انشعابی)^{۱۰} اند. یعنی یک جفت عنصر X و Y با ترتیب XY در زبان‌های دارای ترتیب غالب فعل-

1) "Some Universals of Grammar with Particular Reference to the Order of Meaningful Elements"

2) postpositional

3) adposition

4) prepositional

5) Head- dependent theory

6) Branching direction theory

7) nonphrasal categories

8) nonbranching categories

9) lexical categories

10) phrasal categories

مفعول (VO) به‌طور قابل‌توجهی بیشتر از زبان‌های با ترتیب مفعول-فعل (OV) هستند. براین‌اساس، زبان‌ها باز هم به دو صورت گرایش دارند، یکی زبان‌های راست‌انشعابی^۱ که در آن مقوله‌های گروهی پس از مقوله‌های غیرگروهی قرار می‌گیرند. دوم زبان‌های چپ‌انشعابی^۲ که در آن مقوله‌های گروهی پیش از مقوله‌های غیرگروهی ظاهر می‌شوند (Dryer, 1992, p. 87-88).

اما درباره پرسش دوم که بین عناصر دستوری چه همبستگی‌هایی وجود دارد، درایر (1992) ۲۳ نوع همبستگی ترتیب واژه‌ها را بر بنیاد داده‌های ۶۲۵ زبان از خانواده‌های زبانی گوناگون معرفی کرده‌است. دبیرمقدم (۱۳۹۳) پنج مورد آن را مبتنی بر همبستگی‌هایی می‌داند که در زبان‌های ایرانی وجود ندارد. ازاین‌رو، در این پژوهش ۱۸ مؤلفه بنا بر نظر درایر (1992) و پنج مؤلفه دیگر نیز از پایگاه داده‌های او^۳ انتخاب شده‌است. همچنین، یک مؤلفه دیگر (توالی مفعول-فعل)^۴ که درایر آن را به دبیرمقدم توصیه کرده نیز در این پژوهش لحاظ شده‌است (دبیرمقدم، ۱۳۹۳).

برخی نشانه‌ها و کوتاه‌نوشت‌های این پژوهش به شرح زیر است:

کوتاه‌نوشت‌ها			
نشانه	معنا	نشانه	معنا
+ مذ	مذکر	ش ^۱ م	اول شخص مفرد
+ مؤ	مؤنث	ش ^۲ م	دوم شخص مفرد
ج	جمع	ش ^۳ م	سوم شخص مفرد
م	مفرد	ش ^۱ ج	اول شخص جمع
		ش ^۲ ج	دوم شخص جمع
		ش ^۳ ج	سوم شخص جمع

1) right-branching languages

2) left-branching languages.

3) Matthew Dryer's Typological Database (<http://www.acsu.buffalo.edu/~dryer/database.htm>)

4) order of object and verb (OV/VO)

۲. پیشینه پژوهش

در این تحقیق سعی بر این است که ترتیب واژه‌های زبان پشتو با توجه به مؤلفه‌های بیست و چهارگانه درایر بررسی شود. در برخی آثار دستورنویسان داخلی و خارجی درباره ترتیب ارکان جمله، عبارات و ترکیب‌ها مطالعاتی صورت گرفته‌است، اما این آثار بر بنیاد چارچوب نظری خاصی نبوده، بلکه بیشتر به صورت سنتی انجام شده‌است. از میان مطالعات مذکور می‌توان از آثار مکزی^۱ و دیوید^۲ (۱۹۴۷)، پنزل^۳ (۱۹۵۵)، تگی و روبسن^۴ (۱۹۶۶)، شافیف^۵ (۱۳۵۲)، تگی (۱۹۷۸، ۱۹۷۷)، گریونبرگ^۶ (۱۹۸۷)، رشتین (۱۳۷۲)، ببرکزی (۱۹۹۹)، رابرتس^۷ (۲۰۰۰)، زیار (۱۳۸۴)، و کمال خان و بخاری (۲۰۱۲) نام برد. در پژوهش‌هایی که ذکر آن رفت کم‌وبیش به موضوع ترتیب واژه‌های زبان پشتو اشاره‌هایی شده‌است. زیار (۱۳۸۴) تنها دستورنویسی است که در دستور زبان پشتو موضوع ترتیب واژه‌های زبان پشتو را تحت عنوانی جداگانه بدون چارچوب نظری خاص بررسی کرده‌است. بقیه موارد بنابر ضرورت دستوری ترتیب واژه‌های زبان پشتو را ذکر کرده‌اند، اما تاکنون از منظر رده‌شناسی زبان درباره ترتیب واژه‌های زبان پشتو پژوهشی انجام نشده‌است.

۳. روش پژوهش

داده‌های این تحقیق بر پایه مطالعه میدانی است و بیشترین نمونه‌های آن از طریق مصاحبه با گویشوران گویش مرکزی زبان پشتو به صورت تصادفی گردآوری شده‌است. علاوه بر این، نگارنده به‌عنوان گویشور گویش مرکزی زبان پشتو، واژه‌هایی به داده‌های این پژوهش افزوده‌است. داده‌های این پژوهش پس از جمع‌آوری در چارچوب مؤلفه‌های بیست و چهارگانه درایر (۱۹۹۲) بررسی و نمونه‌ها و جملات به تکواژهای سازنده آن تقطیع و آوانویسی شده و معنی فارسی آن ذیل هر تکواژ ذکر گردیده‌است. در ادامه مؤلفه‌های بیست و چهارگانه زبان پشتو با زبان‌های اروپا-آسیا و همچنین زبان‌های جهان مقایسه شده‌است که نتایج آن تعیین‌کننده رده زبان پشتو است.

1) MacKenzie, D. N.

2) David, A. B.

3) Penzl, H.

4) Tagay, H. and Robson, B.

5) Shafeev

6) Grjunberg, A. L.

7) Roberts, T.

۴. رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها/سازه‌ها در زبان پشتو

موضوع اصلی این پژوهش شامل دو زیربخش است: زیر بخش اول به بررسی مؤلفه‌های ترتیب واژه در زبان پشتو اختصاص دارد و در زیربخش دوم نتایج به‌دست‌آمده نخست با زبان‌های اروپا-آسیا و سپس با زبان‌های جهان مقایسه شده و نتایج حاصل از آن در دو جدول جداگانه ارائه شده‌است که در واقع وضعیت کلی ترتیب واژه‌های زبان پشتو را توصیف می‌کند.

۴.۱. بررسی ترتیب واژه‌های زبان پشتو

در این پژوهش ترتیب واژه‌های زبان پشتو چنان‌که گفته شد براساس ۲۴ مؤلفه درایر است که در ادامه شواهد هر یک از مؤلفه‌های مذکور جداگانه بررسی شده‌است.

مؤلفه نوع حرف اضافه

حرف اضافه^۱ اصطلاحی دستوری است که مقوله‌های دستوری پیش‌اضافه^۲ و پس‌اضافه^۳ و پیرااضافه^۴ را دربر می‌گیرد. حروف اضافه اجزای تصریف‌ناپذیر و پُرکاربرد زبانی است و به تهنائی معنی ندارند، بلکه در کنار واژه‌های آزاد به کار می‌روند و نشان‌دهنده رابطه مکانی، زمانی و علت‌وسبب‌اند (راسخ‌مهند، ۱۳۹۳، ص ۹۸).

زبان پشتو شامل انواع حرف اضافه یعنی پیش‌اضافه پس‌اضافه و پیرااضافه است، اگرچه بحث پیرااضافه در مجموع مؤلفه‌های درایر وجود ندارد، اما به نظر می‌رسد به‌عنوان یک مؤلفه باید در نظر گرفته شود. این مؤلفه حتی می‌تواند به‌عنوان ملاک رده‌بندی زبان‌های ایرانی لحاظ شود.

تعداد پیرااضافه‌های زبان پشتو بیشتر از پیش‌اضافه‌ها و پس‌اضافه‌هاست. زیرا یک پیش‌اضافه با چندین پس‌اضافه به صورت جفت‌جفت، پیرااضافه‌های زبان پشتو را تشکیل می‌دهند. اما این پرسش مطرح است که حروف اضافه در زبان پشتو از نوع پیش‌اضافه است یا پس‌اضافه، زیرا از یک‌سو در مجموعه مؤلفه‌های درایر از مؤلفه پیرااضافه ذکر می‌شود و از سوی دیگر نیز تعداد پس‌اضافه‌های زبان پشتو بیشتر از پیش‌اضافه‌هاست، پس با توجه به مؤلفه نوع حرف اضافه زبان پشتو پس‌اضافه‌ای است.

1) adposition
2) preposition
3) postposition
4) circumposition

برخی از پس‌اضافه‌های زبان پشتو عبارت‌اند از: ke «در»؛ sara «با»؛ pase «پشت/به‌تعقیب»؛ pore «تا»؛ bande «بالایی»؛ sar-bera «علاوه‌بر»؛ la-para «برای»؛ kwande «مثل»؛ kəra پس‌اضافه مکانی برای «خانه»؛ la-pasa «بر سر»؛ la-lande «از زیر»؛ la-maxe «از روی»؛ wrusta «بعد»؛ tsəxa^۱ «از/از جانب»؛ prata «بدون»؛ da-nana «داخل»؛ da-bande «خارج/ بیرون»؛ sara «با/ نزدیک/ کنار»؛ sara sara «با وجود/علاوه‌بر»؛ ra-hise «به این‌سو»؛ pa-hise «به آن‌سو»؛ ta «به»؛ prəta «بدون»؛ humra «به اندازه»؛ hase «مثل آن»؛ dase «مثل این».

همچنین برخی از پیش‌اضافه‌های زبان پشتو عبارت‌اند از: pa «در/ به/ با»؛ pər «بر/ بر سر/ روی»؛ da پیش‌اضافه ملکی، مانند کسره اضافه است؛ tər «تا»؛ la «از/ با»؛ be «بدون»؛ wo «به/ برای»؛ ləka (də)^۲ «مثل»؛ sara-la «با وجود»؛ sarla مفهوم آغاز شدن.

اما پیرااضافه‌های زبان پشتو از ترکیب یک پیش‌اضافه و یک پس‌اضافه به شرح ذیل ساخته می‌شوند: pa-...-ke «در داخل»؛ pa-...-sara «با/ به‌وسیله»؛ pa-...-pase «به تعقیب/ بعد از»؛ pa-...-pore «به/ بر» که نوعی ارتباط را نشان می‌دهد؛ pər-...-bande «بر روی/ بالای»؛ pər-...-sar-bera^۳ «علاوه‌بر»؛ də-...-la-para «برای»؛ də-...-kwande «مثل»؛ də-...-kəra پیرااضافه مکانی برای خانه؛ də-...-la-pasa «بر سر»؛ də-...-la-lande «از زیر»؛ də-...-la-maxe «از طرف/ از روی/ براساس»؛ tər-...-pure «تا (مکانی)/ تا (زمانی)»؛ tər-...-wrusta «(بعد از زمان/ مکان/ شخص)؛ tər-...-tsəxa «از، به‌نسبت»؛ tər-...-prata «بدون از»؛ tər-...-də-nana «در داخل»؛ tər-...-də-bande «در خارج از/ بیرون از»؛ la-...-sara «همراهی/ با/ در نزدیک/ در کنار»؛ la-...-sara-sara «با وجود»؛ la-...-ra-hise «از زمانی/ مکانی به این‌سو»؛ la-...-tsəxa^۴ حالت منشأیی/ از تا؛ la-...-pa-hise «از زمانی/ مکانی به آن‌سو»؛ la-...-wrusta «بعد از» (زمان/ مکان)؛ la-...-prəta «بدون از»؛ be-la-...-tsəxa «به‌غیر از»؛ wo^۵-...-ta^۶ «برای»؛ wo^۵-...-humra «مثل این»؛ ləka- (də)-...-hase «مثل آن»؛ ləka- (də)-...-dase «مثل این»؛ sar-la-...-tsəxa «شروع از» (زیار، ۱۳۸۴؛ ص ۲۰۵-۲۱۱).

(۱) صورت‌های کوتاه‌شده آن na, tsa, dzne است.

(۲) در پس‌اضافه ləka گاهی də حذف می‌شود.

(۳) پس‌اضافه sar-bera یک صورت غیرمعیار barsera- نیز دارد.

(۴) ta دارای صورت‌های (la/lara) نیز است.

(۵) این پیش‌اضافه در گویش قندهار وجود دارد، اما در گویش‌های دیگر از میان رفته‌است.

(۶) (də) می‌تواند حذف شود.

مؤلفۀ توالی هستۀ اسمی و بند موصولی

بند موصولی در زبان پشتو پس از هستۀ اسمی می‌آید و آن را توصیف می‌کند. بند موصولی توسط ادات موصولی (tʃe) با بند اصلی پیوند می‌خورد که شواهد بیشتر آن به شرح زیر است:

- ۱) haḡa saṭay tʃe [kɪtab axli zma wror dɔj]
 است برادر از من می‌گیرد کتاب که (ادات موصولی) مرد آن
 آن مردی که کتاب می‌گیرد، برادر من است.

- ۲) zə pə kabul – pohanton ke [tʃe də hewad]
 کشور (نشانه اضافه) که در دانشگاه – کابل در من
 jaw poxwanaj pohanton dɔj] tadrɪs kawəm.
 می‌کنم تدریس است دانشگاه قدیمی یک
 من در دانشگاه کابل، که یک دانشگاه قدیمی کشور است، تدریس می‌کنم.

- ۳) haḡa kor tʃe koranəj me pəke
 در آن ام (واژه‌بست) فامیل که خانه آن
 oseda xartɔ fəwaj dɔj.
 است شده فروخته زندگی می‌کرد
 آن خانه‌ای که فامیلم در آن زندگی می‌کرد، فروخته شده است.

مؤلفۀ توالی مضاف و مضاف‌الیه

در زبان پشتو مضاف‌الیه همواره قبل از مضاف می‌آید و در توالی مضاف‌الیه و مضاف ترتیب غالب این است که حرف اضافه də پیش از مضاف‌الیه و مضاف قرار می‌گیرد:

- ۴) zə sta qaləm ta aɽtʃa larəm.
 من (مضاف‌الیه) از شما (مضاف) قلم پس اضافه نیاز دارم
 من به قلم شما نیاز دارم.

- ۵) ma də Ahmad kor wər-wə-ṣowd.
 من (نشانه اضافه) احمد خانه نشان دادم – نمود تام – جهت نما
 (مضاف) (مضاف‌الیه)

من خانه احمد را به او نشان دادم.

- ۶) zmuz kalaj şajəsta dəj.
 (مضاف‌الیه) از ما (مضاف) قریه زیبا است
 قریه ما زیبا است.

مؤلفه توالی صفت و مبنای مقایسه

در زبان پشتو مبنای مقایسه قبل از صفت قرار می‌گیرد، یعنی اول مبنای مقایسه و بعد از آن صفت می‌آید. مبنای مقایسه با پیش‌اضافه «از» tar ظاهر می‌شود که اغلب دارای حالت غیرفاعلی است.

- ۷) Nawid tar Lida lwaɽ dəj.
 نوید (پیش‌اضافه) از (مبنای مقایسه) لیدا (صفت) بلند است
 نوید از لیدا بلندتر است.

- ۸) Hasan tar Hares qer zaki dəj
 حسن از/نسبت به حارث خیلی باهوش است
 (پیش‌اضافه) (مبنای مقایسه) (صفت)
 حسن نسبت به حارث خیلی باهوش‌تر است.

مؤلفه توالی فعل و گروه حرف‌اضافه‌ای

گروه حرف‌اضافه در حالت بی‌نشان قبل از فعل قرار می‌گیرد:

- ۹) Nargas pa şar ke oseɟi.
 نرگس (پیش‌اضافه) شهر (پس‌اضافه) به زندگی می‌کند
 فاعل گروه حرف‌اضافه‌ای فعل
 نرگس در شهر زندگی می‌کند.

- ۱۰) Samad pa pohanton ke tadrīs kawī.
 صمد در (پیش‌اضافه) دانشگاه در (پس‌اضافه) تدریس می‌کند
 فاعل گروه حرف‌اضافه‌ای فعل
 صمد در دانشگاه تدریس می‌کند.

مؤلفه توالی فعل و قید حالت

قید حالت نیز در زبان پشتو قبل از فعل قرار می‌گیرد و چگونگی وقوع فعل را توصیف می‌کند:

- ۱۱) maʃum pa karara weda-fo.
 کودک پیش‌اضافه به (قیدحالت) آرام شد-خوابیده
 کودک به آرامی خوابید.
- ۱۲) haʁoy wro wro mande-wahale.
 آنها (قیدحالت تکرار) آهسته آهسته می‌دویدند
 آنها آهسته آهسته می‌دویدند.
- ۱۳) Asad pa biʁa wə-wot.
 اسد پیش‌اضافه به (قید حالت) عجله بیرون شد-نمودتام
 اسد با عجله بیرون رفت.

مؤلفه توالی فعل اسنادی و گزاره/مسند

فعل اسنادی فعلی است که در کنار مُسند قرار گرفته و آن را به مُسندالیه ارتباط می‌دهد و گزاره/مسند همان بخش جمله است که عمل، شرایط یا وضعیت فاعل را بیان می‌کند. در زبان پشتو گزاره/مسند قبل از فعل اسنادی قرار می‌گیرد و هر دوتای آنها (فعل اسنادی و گزاره/مسند) با فاعل جمله از لحاظ جنس و شمار مطابقت می‌کنند:

- ۱۴) haʁa saʁaʃ sowonkaj dəj.
 آن مرد معلم (مسند) است (فعل اسنادی)
 آن مرد معلم است.
- ۱۵) Xoʃhal jaw-ʃə ʃaʔer dəj.
 خوشحال خوب-یک شاعر است (فعل اسنادی)
 خوشحال یک شاعر خوب است.
- ۱۶) zamuz ostadan ɖer mehrabana di.
 از ما استادان (مسند) مهربان - خیلی اند (فعل اسنادی)
 استادان ما خیلی مهربان هستند.

مؤلفه توالی فعل کمکی خواستن و فعل بند پیرو

در زبان پشتو فعل کمکی خواستن قبل از بند پیرو می‌آید و پیش از بند پیرو آمدن نشانه موصولی *ʃe* «که» اختیاری است. همچنین، فعل خواستن در همه زمان‌ها غیر از گذشته با فاعل جمله از لحاظ شخص و شمار مطابقت دارد:

۱۷)	haɔoj	kwat-i	(ʃe)	dars	wawaj-i.
	آنها	۳ش-ج می‌خواهند	(که)	درس	۳ش-ج بخوانند
		(فعل خواستن)	(نشانه موصولی)		

آنها می‌خواهند درس بخوانند.

۱۸)	Haron	kwastal	(ʃe)	la	xalko
	هارون	می‌خواست	(نشانه موصولی) (که)	(پیش‌اضافه)	مردم
	sara	mrasta	wak-i.		
	(پس‌اضافه)	کمک	۳ش-کند		

هارون می‌خواست به مردم کمک کند.

۱۹)	zə	kwat-əm	(ʃe)	da	kɪtab	ta-ta	waxl-əm.
	من	۱ش-م می‌خواه	(که)	این	کتاب	برای-تو	۱ش-م بخور

من می‌خواهم این کتاب را برای تو بخورم.

مؤلفه توالی موصوف و صفت

صفت قبل از موصوف می‌آید و اغلب با موصوف از لحاظ جنس، شمار و حالت مطابقت دارد:

۲۰)	tor-a	daɾ-a	تابلو سیاه
	(م مؤنث)-سیاه	(م مؤنث)-تابلو	
۲۱)	dang	saɾaj	مرد قدبلند
	(م مذکر) بلند	(م مذکر) مرد	
۲۲)	tawd-a	hawa	هوای گرم
	(م مؤنث)-گرم	(م مؤنث) هوا	

مؤلفۀ توالی صفت اشاره و اسم

صفت اشاره در زبان پشتو پیش از اسم قرار می‌گیرد. صفت‌های اشاره در زبان پشتو برای فاصله‌های نزدیک، دور و دورتر صورت‌های مختلف دارند و شمار مفرد و جمع آنها دارای حالت‌های مستقیم^۱ و غیرمستقیم^۲ است.

۲۳)	daɣa	qalam	tor	dəj.
	(صفت اشاره نزدیک) این	(مذکر، اسم) قلم	(صفت) سیاه	است
				این قلم سیاه است.
۲۴)	haɣa	kɪtab	zma	dəj.
	(صفت اشاره دور) آن	(اسم) کتاب	از من	است
				آن کتاب مال من است.
۲۵)	haɣo	saɣo	daze	wakɾe.
	(صفت اشاره دورتر) آن	(اسم) مردها	شلیک	کردند
				آن مردها شلیک کردند.

مؤلفۀ توالی قید مقدار و صفت

قید مقدار کمیت صفت را بیان کند. قید مقدار پیش از صفت می‌آید:

۲۶)	ɖer	lwaɾ			بسیار بلند
	بسیار	بلند			
۲۷)	la-ɖer	lwaɾ			بسیار بلندتر
	بسیار (ادات تفضیلی)	بلند			
۲۸)	Sara	tər	Lajla	ɖera	dzwana da.
	سارا	از	لیلا	(قید مقدار) خیلی	(صفت) جوان است
					سارا نسبت به لیلا خیلی جوان است.
۲۹)	zma	mor	zaɣta-ɖera	mehrabana	da.
	از من	مادر	(قید مقدار) بسیار-زیاد	(صفت) مهربان	است
					مادر من بسیار زیاد مهربان است.

1) direct case
 2) oblique case

مؤلفه توالی فعل اصلی و فعل کمکی زمان- نمود

در زبان پشتو فعل‌های کمکی زمان- نمود بعد از فعل‌های اصلی قرار می‌گیرند. افعال کمکی زبان پشتو در زمان حال، آینده و گذشته عبارت‌اند از: wəl, fʷəl, kɾəl, kawəl, kedəl. توالی هر یک از افعال کمکی با فعل اصلی به این ترتیب است. فعل کمکی kedəl «شدن» از لحاظ معنی با فعل کمکی fʷəl «شدن» مترادف است که زمان حال، آینده و گذشته استمراری (نمود ناقص) را نشان می‌دهد. بقیه صورت‌ها در هر سه زمان از فعل کمکی fʷəl «شدن» به دست می‌آیند که نشان‌دهنده نمود کامل‌اند. ابتدا فعل کمکی kedəl «شدن» را در زمان حال بررسی می‌کنیم. مثال‌های زیر نمایانگر نمود ناقص در زمان حال است:

۳۰)	zə	patse-ez-əm.	من بلند می‌شوم.
	من	ا ش م- (ف کمکی) می‌شو- بلند	
۳۱)	zə	tsarəl kez-əm.	من تعقیب می‌شوم.
	من	ا ش م- (ف کمکی) می‌شو تعقیب	

در دو نمونه فوق می‌بینیم که -ez- و -kez-، دو صورت فعل کمکی kedəl «شدن»، در جمله معلوم و مجهول نمود ناقص را نشان می‌دهند و هر دو بعد از فعل اصلی آمده‌اند. در مثال ۳۰ فعل به صورت (patse-ez-əm) آمده‌است، که -patse- «برخاستن» فعل اصلی است و -ez- فعل کمکی نمود ناقص زمان حال است که بعد از فعل اصلی قرار گرفته‌است، و -əm- شناسه اول شخص مفرد. در مثال ۳۱ نیز tsarəl فعل اصلی و -kez- فعل کمکی نمود ناقص و -əm- شناسه اول شخص مفرد است. فعل کمکی kedəl «شدن» در زمان آینده نیز مثل زمان حال صورت‌های استمراری (نمود ناقص) را نشان می‌دهد، و بعد از فعل اصلی می‌آید:

۳۲)	zə	ba	patse-ez-əm.	من بلند خواهم شد.
	من	(ادات آینده‌ساز)	ا ش م- (ف کمکی) می‌شو- بلند	
۳۳)	zə	ba	tsarəl kez-əm.	من تعقیب خواهم شد.
	من	(ادات آینده‌ساز)	ا ش م- (ف کمکی) می‌شو تعقیب	

فعل کمکی *kedəl* «شدن» در زمان گذشته به *ked-* یا *-ed-* تبدیل می‌شود و استمرار (نمود ناقص) را نشان می‌دهد:

۳۴) *zə* *patse-ed-əm.* من بلند می‌شدم.
من ۱ش-م- (فکمکی) می‌شد-بلند

۳۵) *zə* *tsarəl* *ked-əm.* من تعقیب می‌شدم.
من ۱ش-م- (فکمکی) می‌شد تعقیب

می‌بینیم که در نمونه ۳۴ فعل معلوم و در نمونه ۳۵ فعل مجهول است که هر دو نمود ناقص زمان گذشته را نشان می‌دهند و فعل کمکی زمان-نمود بعد از فعل اصلی آمده‌است.

kawəl «کردن» فعل کمکی متعدی است و تمام صیغه‌های زمان حال و آینده با آن ساخته می‌شود. در زمان گذشته فقط صیغه‌های گذشته استمراری، گذشته تام و گذشته احتمالی با آن ساخته می‌شود. نمونه‌های حال استمراری:

۳۶) *zə* *Asad* *poxla* *kaw-əm.*
من ۱ش-م- (فکمکی) می‌کنم آشتی
من اسد را آشتی می‌کنم. / من با اسد آشتی می‌کنم.

۳۷) *zə* *Asad* *pats-aw-əm.*
من ۱ش-م- (فکمکی) می‌کنم-بلند
من اسد را بلند می‌کنم.

در زمان آینده نیز فعل کمکی زمان-نمود (*kawəl* «کردن») بعد از فعل اصلی می‌آید. نمونه‌های استمراری (نمود ناقص) آن به این ترتیب است:

۳۸) *zə* *ba* *Asad* *poxla* *kaw-əm.*
من ۱ش-م- (فکمکی) می‌کنم آشتی اسد ادات آینده‌ساز
من اسد را آشتی خواهم کرد. / من با اسد آشتی خواهم کرد.

۳۹) *zə* *ba* *Asad* *pats-aw-əm.*
من ۱ش-م- (فکمکی) می‌کنم-بلند اسد ادات آینده‌ساز
من اسد را بلند خواهم کرد.

گفتنی است نمود تام در زمان آینده در یکی از گویش‌های زبان پشتو (گویش وردک) رایج است.

۴۰)	zə	ba	nasihat	wə-kaw- əm.
	من	ادات آینده‌ساز	نصیحت	۳ش‌م- (فکمکی) کرد-نمود تام

من نصیحت خواهم کرد.

در زمان گذشته نیز فعل کمکی زمان-نمود kawəl «کردن» بعد از فعل اصلی می‌آید. گذشته استمراری (نمود ناقص):

۴۱)	ma	nasihat	kawl-u.
	(حالت غیرفاعلی) من	نصیحت	۳ش‌م- (فکمکی) می‌کرد

من نصیحت می‌کردم.

گذشته مطلق (نمود تام):

۴۲)	ma	nasihat	wə-kawl-u.
	(حالت غیرفاعلی) من	نصیحت	۳ش‌م- (فکمکی) کرد-نمود تام

من نصیحت کردم.

فعل کمکی kɾəl «کردن» با فعل کمکی kawəl هم‌معنی است و تمام صیغه‌های زمان حال، آینده و گذشته با آن ساخته می‌شود. گفتنی است زمان حال استمراری اغلب با فعل کمکی kawəl ساخته می‌شود، اما در برخی کتاب‌های دستوری زبان پشتو شواهدی از صورت استمراری با فعل kɾəl «کردن» آمده که احتمالاً وابسته به یکی از گویش‌های زبان پشتو (منطقه وردک) بوده است:

۴۳)	zə	kar	kɾ-əm.
	من	کار	۱ش‌م- می‌کن

حال مطلق (نمود تام):

۴۴)	zə	kar	wə-kɾ-əm.
	من	کار	۱ش‌م- بکن- نمود تام

نمونه‌های زمان آینده فعل کمکی *ktəl* به قرار زیر است.

آینده استمراری:

۴۵)	zə	ba	kar	kt-əm.	من می‌خواهم کار کنم.
	من	ادات آینده‌ساز	کار	اشم-می‌کن	

آینده مطلق (نمود تام):

۴۶)	zə	ba	kar	wə-kt-əm.	من کار خواهم کرد.
	من	ادات آینده‌ساز	کار	اشم-کن-نمود تام	

در زمان گذشته نیز فعل کمکی *ktəl* «کردن» کاربرد دارد که بعد از فعل اصلی می‌آید. گذشته استمراری (نمود ناقص):

۴۷)	ma	kar	kt-əl-u.	من کار می‌کردم.
	من	کار	ش۳ - نشانه گذشته - (فعل کمکی) کرد	

گذشته مطلق (نمود تام):

۴۸)	ma	kar	wə-kt-əl-u.	من کار کردم.
	من	کار	ش۳ - نشانه گذشته - (فعل کمکی) کرد	

fwəl «شدن» فعل کمکی لازم است که به‌غیراز حال استمراری و گذشته استمراری تمام صیغه‌های حال، آینده و گذشته با آن ساخته می‌شود. همه صورت‌های مطلق (نمود تام) فعل لازم در زمان حال با فعل کمکی *fwəl* «شدن» ساخته می‌شود و تمام صورت‌های غیراخباری آن با فعل کمکی *fwəl* «شدن» صرف می‌شود. نمونه صورت مطلق (نمود تام) در زمان حال:

۴۹)	zə	wlaɽ	f-əm.	من بروم (تحت اللفظ: من رفته شوم).
	من	رو	اشم- (فکمکی «شدن») شو	

۵۰)	tə	wlaɽ	f-e.	تو بروی (تحت اللفظ: تو رفته شوی).
	تو	رو	اشم- (فکمکی «شدن») شو	

صورت‌های مجهول در زمان حال مطلق (نمود تام) با فعل کمکی *fwal* «شدن» صرف می‌شود، یعنی صورت‌های اخباری و غیراخباری مجهول با فعل کمکی *fwal* «شدن» به کار می‌رود. اما صورت‌های مجهول و غیراخباری (انشایی) آن بیشتر قابل فهم هستند (رشتین، ۱۳۷۲، ص ۳۴۳).

شرطی: *f-əm.* *wə- tsarəl* *zə* *kə* ۵۱)
 ۱ش‌م- (ف‌کمکی) شو تعقیب- نمود تام من اگر

اگر من تعقیب شوم.

آرزویی: *f-əm.* *wə- tsarəl* *zə* *kə/ke* ۵۲)
 ۱ش‌م- (ف‌کمکی) شو تعقیب- نمود تام من کاش

کاش من تعقیب شوم.

ترتیب فعل لازم کمکی *fwal* «شدن» در زمان آینده نیز مانند زمان حال است. صورت لازم و مطلق (نمود تام) زمان آینده با فعل کمکی *fwal* «شدن» ساخته می‌شود و تمام صورت‌های غیراخباری مطلق (نمود تام) با فعل کمکی *fwal* «شدن» صرف می‌شود. نمونه صورت مطلق (نمود تام):

f-əm. *wə- tsarəl* *ba* *zə* ۵۳)
 ۱ش‌م- (ف‌کمکی) شو تعقیب- نمود تام ادات آینده‌ساز من

من تعقیب خواهم شد.

صورت‌های مطلق زمان حال و آینده بیشتر در نمونه‌های غیراخباری قابل تطبیق هستند، برای مثال در صورت توانشی:

f-əm! *wə- tsarəlaɟ* *ba* *zə* ۵۴)
 ۱ش‌م- (ف‌کمکی) شو (فعل توانشی) تعقیب- نمود تام ادات آینده‌ساز من

من تعقیب کرده خواهم توانست! یعنی، من خواهم توانست تعقیب کنم!

صورت‌های گذشته فعل کمکی *fwal* «شدن» به شرح ذیل است. نمونه ذیل نشان‌دهنده ماضی مطلق (نمود تام) است:

f-w-əm. *wə- tsarəl* *zə* ۵۵)
 ۱ش‌م- (ف‌کمکی) شد تعقیب- نمود تام من

من تعقیب شدم.

گذشته تمنائی:

۵۶)	kaʃke	zə	tsarəl- ʃəwaj	waj-əm.
	کاش	من	(صفت مفعولی) فعل کمکی شدن-تعقیب	فعل کمکی تمنائی- بود
کاش من تعقیب شده بودم.				

از مبحث فوق دریافته‌ایم که زبان پشتو در زمان‌های حال، آینده و گذشته از افعال کمکی استفاده می‌کند و فعل کمکی زمان-نمود پس از فعلی اصلی قرار می‌گیرد.

مؤلفه توالی ادات استفهام و جمله

در زبان پشتو، ادات استفهام خاصی وجود ندارد، بلکه جمله‌های استفهامی بله/خیر با تغییر آهنگ جمله ساخته می‌شود. زبان پشتو ادات استفهام aja «آیا» را از زبان فارسی وام گرفته است که در آغاز جمله می‌آید:

۵۷)	aja	taso	polis	xabar-kaʃi	wo?
	آیا	شما	پلیس	کرده-خبر	بود
آیا شما پلیس را خبر کرده بودید؟					

۵۸)	aja	halta	baran	warizi?
	آیا	آنجا	باران	می‌بارد
آیا آنجا دارد باران می‌بارد؟				

مؤلفه توالی پیرونمای بند قیدی / حرف ربط قیدی و بند

پیرونمای بند قیدی / حرف ربط قیدی در زبان پشتو پیش از بند می‌آید:

۵۹)	kəla-ʃe	Tehran	ke	baran	wəʃi
	وقتی‌که	تهران	در (پس‌اضافه)	باران	بیارد
	hawa	qera-ʃa	lagezi.		
	هوا	خوب-خیلی	می‌چسبد		

وقتی‌که در تهران باران بیارد، هوا خیلی خوب می‌چسبد (... بسیار دلچسب می‌شود).

در جمله ۵۹ kəla-ʃe «وقتی که» حرف ربط قیدی است که پیش از بند آمده‌است.

۶۰)	har	kəla-ʃe	dar-tləm	taso	ta
	هر	وقتی که	۱ش م- می آمد	شما	به
	?ahwal	dar-kawam			
	خبر	۱ش م- می دهد			

هر وقتی که آمدم، به شما خبر می‌دهم.

در نمونه ۶۰ har kəla-ʃe «هر وقتی که» حرف ربط قیدی است که قبل از بند قرار گرفته‌است.

۶۱)	kəla-ʃe	Asfahan	ta	warased-əm
	که- وقتی	اصفهان	به (پس اضافه)	۱ش م- رسید
	pohanton	ta	dz-əm.	
	دانشگاه	به (پس اضافه)	۱ش م- می رو	

وقتی که به اصفهان رسیدم، (مستقیم) به دانشگاه می‌روم.

در مثال ۶۱ نیز حرف ربط قیدی kəla-ʃe «وقتی که» است که پیش از بند قرار گرفته‌است.

مؤلفه توالی حرف تعریف و اسم

در زبان پشتو برای حرف تعریف معرفه نشانه خاصی وجود ندارد، ولی برای حرف تعریف نکره yaw «یک» به کار می‌رود. حرف تعریف نکره در زبان پشتو قبل از اسم قرار می‌گیرد:

۶۲)	yaw	dzwakman	saɾay	ra-rawan	dəy.
	یک (نکره‌ساز)	قوی	مرد	آمدن- (جهت نما)	است

یک مرد قوی در حال آمدن است.

۶۳)	yaw	spor	pa	ʃaʔakəy	sara	ter	ʃo.
	یک (نکره‌ساز)	سوار	به (پیش اضافه)	سرعت	به (پس اضافه)	رد	شد

یک سوار به سرعت (از اینجا) رد شد.

همان‌طور که گفتیم، برای بیان مفهوم معرفه نشانه خاصی وجود ندارد، بلکه مفهوم معرفه با صفت اشاره بیان می‌شود. صفت اشاره در زبان پشتو برای نزدیک، دور و دورتر صورت‌های مختلفی دارد (نک: ۱۰.۱.۴):

۶۴)	daṛa	kitab	me	waxist.
	(معرفه) این (اشاره به نزدیک)	کتاب	واژه‌بست ۱ ش م	خرید
	این کتاب را خریدم.			

۶۵)	haṛa	sarj	ra-sara	mrasta	wakṛa.
	(معرفه) آن (ضمیر اشاره به دور)	مرد	با من	کمک	کرد
	آن مرد به من کمک کرد.				

مؤلفۀ توالی فعل و فاعل

چنان‌که در غالب زبان‌های جهان معمولاً فاعل پیش از فعل می‌آید، در زبان پشتو نیز فاعل پیش از فعل قرار می‌گیرد. بیشتر نمونه‌هایی که در مباحث پیشین ارائه شد گواه بر این مطلب است، اما برای تصریح بیشتر به نمونه زیر توجه کنید:

۶۶)	zə	šowandzi	ta	dzəm.
	(فاعل) من	مدرسه	(پس‌اضافه) به	(فعل) می‌روم
	من به مدرسه می‌روم.			

مؤلفۀ توالی عدد و اسم

در زبان پشتو عدد قبل از معدود خود قرار می‌گیرد و همچنین عدد با معدود خود از لحاظ جنس و شمار مطابقت می‌کند:

۶۷)	jaw	kitab	یک کتاب
	(عدد اصلی) یک	(مفرد) کتاب	
	dwa	kitab-una	دو کتاب
	(عدد اصلی) دو	ها (جمع) کتاب	

طبقه سوم	puɽ	drejam
	طبقه	(عدد ترتیبی) سوم
چهار چهار سرباز	sarteri	tsalor- tsalor
	سربازان	(عدد توزیعی) چهار-چهار

مؤلفه توالی وند زمان- نمود و ستاک فعل

در افعال زبان پشتو wə- پیشوند زمان-نمود است و با ستاک فعل نمود تام می‌سازد. به عبارت دیگر، اگر از نمود تام پیشوند wə- را حذف کنیم به نمود ناقص تبدیل می‌شود. علاوه بر این، برخی افعال ساده زبان پشتو با افزودن پسوند əl- ستاک گذشته تشکیل می‌شود، نمونه‌های ذیل پیشوند نمود تام wə- و پسوند گذشته ساز əl- را نشان می‌دهد که به ترتیب قبل و بعد از ستاک می‌آیند:

۶۸)	zə	ba	lamana	wə-gand-əm.
	(ضمیر) من	ادات آینده ساز	دامن	۱ش م-می دوز-نمود تام
				من دامن خواهم دوخت.

۶۹)	ma	lamən-a	gand-əl-a.
	(حالت غیرفاعلی) من	۳ش م مؤ- دامن	۳ش م مؤ- گذشته نما-می دوخت
			من دامن می‌دوختم.

۷۰)	ma	lamən-a	wə-gand-əl-a.
	(حالت غیرفاعلی) من	۳ش م مؤ- دامن	۳ش م مؤ- گذشته نما-دوخت-نمود تام
			من دامن دوختم.

با توجه به نمونه‌های فوق درمی‌یابیم که ستاک گذشته افعال باقاعده از ستاک حال با افزودن پسوند ماضی ساز əl- به دست می‌آید و نمود تام آن از نمود ناقص با اضافه کردن پیشوند wə- ساخته می‌شود. نشانه ماضی/ پسوند گذشته ساز əl- معمولاً به افعال در شمار اول و دوم شخص ماضی افزوده می‌شود و اگر این نشانه از آن حذف شود، با صورت‌های زمان حال یکسان می‌گردد. از این دسته افعال، ماضی سوم شخص مفرد مذكر هیچ‌گاه نشانه گذشته əl- نمی‌گیرد، بلکه به صورت بی‌قاعده به دست می‌آید. اما صورت‌های سوم شخص مؤنث در گرفتن نشانه ماضی ساز əl- آزادند،

یعنی می‌توانند این نشانه را بگیرند و یا نه، برای آگاهی بیشتر در این باره به صرف سه‌گانه فعل *taɽ-* «بستن/گره زدن» نگاه کنید:

دارم می‌بندم	<i>taɽ-əm</i>	۷۱) حال (نمود ناقص)
۱ش م_ می‌بند		
ببندم	<i>wə- taɽ-əm</i>	حال (نمود تام)
۱ش م_ می‌بند-نمود تام		
خواهم بست	<i>ba taɽ-əm</i>	آینده (نمود ناقص)
۱ش م_ می‌بند ادات آینده‌ساز		
خواهم بست	<i>ba wə- taɽ-əm</i>	آینده (نمود تام)
۱ش م_ بست -نمود تام ادات آینده‌ساز		
داشت من را می‌بست ^۱ .	<i>taɽ-əl-əm.</i>	گذشته (نمود ناقص)
۱ش م_ گذشته‌ساز-بستن		
من را بست.	<i>wə- taɽ-əl-əm.</i>	گذشته (نمود تام)
۱ش م_ گذشته‌ساز-بستن-نمود تام		

بنابراین با توجه به نمونه‌های مذکور به این نتیجه می‌رسیم که *wə-* در هر سه زمان به‌عنوان پیشوند نمود تام قبل از ستاک فعل قرار می‌گیرد که حذف آن نمود ناقص را به دست می‌دهد. همچنین، *ba* ادات آینده‌ساز پیش از فعل می‌آید. اگر ادات آینده‌ساز *ba* حذف شود، فعل جمله زمان حال خواهد بود. سرانجام اینکه *-əl-* وند گذشته‌ساز است که بعد از ستاک فعل قرار می‌گیرد و برای صیغه اول شخص و دوم شخص به کار می‌رود، اما برای سوم شخص مفرد مذکر هیچ‌گاه استفاده نمی‌شود و درباره سوم شخص مؤنث اختیاری است. در نهایت از تحلیل صورت گرفته به این نتیجه می‌رسیم که پیشوند نمود تام قبل از ستاک فعل و پسوند زمان گذشته‌ساز بعد از ستاک فعل قرار می‌گیرد، بنابراین در مقایسه زبان پشتو با زبان‌های اروپا-آسیا هر چهار خانه را انتخاب می‌کنیم.

(۱) در زمان گذشته مطابقه با مفعول صورت می‌گیرد.

مؤلفه توالی اسم و تکواژ آزاد ملکی

در زبان پشتو تکواژ آزاد ملکی (me «مال من»؛ de «مال تو»؛ ye «مال او/ مال ایشان»؛ mo/u «مال ما/ مال شما») در شکل ضمایر متصل (واژه‌بست) بعد از اسم در جایگاه دوم ظاهر می‌شود. این نوع تکواژها را، به دلیل آنکه به اسم متصل نمی‌شوند و به فاعل جمله ارجاع می‌دهند، می‌توان تکواژ آزاد نامید.

۷۲)	kitab	=me	کتابم
	کتاب	(واژه‌بست ۱ ش م ملکی) ام	
	kitab	=de	کتابت
	کتاب	(واژه‌بست ۲ ش م ملکی) ات	
	kitab	=ye	کتابش
	کتاب	(واژه‌بست ۳ ش م ملکی) اش	
	kitab	=mu	کتابمان
	کتاب	(واژه‌بست ۱ ش ج ملکی) مان	
	kitab	=mu	کتابتان
	کتاب	(واژه‌بست ۲ ش ج ملکی) تان	
	kitab	=ye	کتابشان
	کتاب	(واژه‌بست ۳ ش ج ملکی) شان	

مؤلفه توالی فعل اصلی و فعل (های) کمکی با معنی توانستن

افعال کمکی با معنی توانستن در زبان پشتو قبل از فعل اصلی می‌آیند:

۷۳)	zə	kawəlay-ɸəm	taso	wə-win-əm.
	من	۱ ش م-می-توان	شما	۱ ش م- دیده- نمود تام
				من می‌توانم شما را ببینم.
۷۴)	Ahmad	kawəlay-ɸi	gowandzi	ta wlaɸ-ɸi.
	احمد	۳ ش م-می‌توان	مدرسه	۳ ش م- برو (پس اضافه) به
				احمد می‌تواند به مدرسه برود.

- ۷۵) duy wə-kawəlay-ɸw-əl luba wa-gaɸ-i.
آنها ۳ش-بیر-نمودتام بازی ۳ش-ج-توانستن-نمودتام
آنها توانستند بازی را ببرند.

مؤلفه توالی متمم‌نما و جمله متمم

در زبان پشتو ɸe نقش متمم‌نما را بر عهده دارد و قبل از بند متمم/ پیرو می‌آید:

- ۷۶) zə poh-ez-əm ɸe haɤa zyarkaša dəj.
من ۳ش‌م‌م‌ذ است زحمت‌کش او که ۱ش‌م-(ف‌کمکی) می-دان من
من می‌دانم که او زحمت‌کش است.

- ۷۷) tə na pohede ɸe zə pa
تو (نفی) نه می‌دانستی که من در (پیش‌اضافه)
sowandzi ke yəm.
مدرسه در هستم
تو نمی‌دانستی که من در مدرسه هستم.

- ۷۸) haɤa saɸi hatsa wa-kɸa ɸe la
آن مرد سعی کرد-نمودتام که (پیش‌اضافه) با
muz sara mrəsta wə-kɸi.
ما (پس‌اضافه) با کمک کند-نمودتام
آن مرد سعی کرد که به ما کمک کند.

مؤلفه حرکت پرسش‌واژه

در زبان پشتو پرسش‌واژه‌ها در جمله جایگاهی ثابت ندارد و لزوماً در آغاز جمله قرار نمی‌گیرد:

- ۷۹) tsok ra-rawan dəj?
کی دارد می‌آید؟
کی آمدنی-جهت‌نما (به اینجا) است

- ۸۰) Ahmad **tferta** daj? احمد کجا هست؟
 احمد کجا است
- ۸۱) zma kitab de **tfə¹** ta war-ki? دادی-نمودتام
 از من کتاب واژه‌بست کی (پس‌اضافه) به
 (ضمیر) ۲ش م (حالت غیرفاعلی) به
 کتاب من را به کی دادی؟

مؤلفه توالی مفعول و فعل

در زبان پشتو مفعول صریح گروهی پیش از فعل و بند مفعولی پس از فعل می‌آید. نمونه‌هایی از مفعول گروهی که پیش از فعل قرار می‌گیرد:

- ۸۲) zə kitab lwal-əm. من کتاب می‌خوانم.
 من (مفعول) کتاب ۱ش م-می‌خوان
- ۸۳) ma² kitab wə-lwast-ə. من کتاب خواندم.
 من (مفعول) کتاب ۱ش م-خوان-نمودتام

مثال مفعول صریح بندی پس از فعل:

- ۸۴) zə pohez-əm tfe haʔa yaw یک
 من ۱ش م-میدان که او یک
- mehraban suwonkay daj. است
 مهربان معلم
- من می‌دانم که او معلمی مهربان است.
- ۸۵) zdakawonki hatsa wəkɾa tfe poštane dɯwab kɾi. کند
 دانش‌آموز سعی کرد که پرسش‌ها جواب کند
- دانش‌آموز سعی کرد که به پرسش‌ها جواب بدهد.

(۱) حالت اصلی آن tsok «کی» است، که در زمان حال به کار می‌رود.

مؤلفه توالی وند منفی ساز و نهی ساز و ستاک فعل

در پشتو وند منفی ساز -na و نهی ساز -ma پیش از ستاک فعل قرار می‌گیرند:

۸۶)	zə	duɖəj	na-	-xor-	-əm.
	من	غذا	(وند منفی ساز)	(ستاک فعل) خور	اشم

من غذا نمی‌خورم.

۸۷)	ma	duɖəj	wə-	-na-	-xwaɽ-	-a.
	من	غذا	نمودتام	(وند منفی ساز)	(ستاک گذشته) خورد	اشم مؤ

من غذا نخوردم.

ادات نهی -ma با فعل امر به کار می‌رود و به‌طور کلی پیش از ستاک فعل می‌آید. فعل امر در شمار مفرد به تکواژ -a و در شمار جمع به تکواژ -əy ختم می‌شود.

۸۸)	ma-xor-a!	نخور!
	اشم-خور- وند نهی	
	ma-lik-a!	ننویس!
	اشم-نویس- وند نهی	
	ma-dz-a!	نرو!
	اشم-رو- وند نهی	

۴.۲. توصیف وضعیت رده‌شناختی زبان پشتو براساس مؤلفه‌های ترتیب واژه‌ها

بررسی ترتیب واژه‌های زبان پشتو بر بنیاد مقاله درایر (۱۹۹۲) تحت عنوان «همبستگی‌های ترتیب واژه گرینبهرگی» انجام شد. درایر در مقاله مذکور ۲۳ همبستگی ترتیب واژه را معرفی کرده‌است، اما بررسی‌ها نشان داد که پنج مورد از آنها مبتنی بر مؤلفه‌هایی است که در زبان پشتو مصداق ندارند، بنابراین آن پنج مؤلفه در بررسی ترتیب واژه‌های زبان پشتو لحاظ نشد. اما ۱۸ مورد دیگر آن در زبان پشتو عبارت‌اند از: (۱) نوع حرف اضافه؛ (۲) توالی هسته اسمی و بند موصولی؛ (۳) توالی مضاف و مضاف‌الیه؛ (۴) توالی صفت و مبنای مقایسه؛ (۵) توالی فعل و گروه حرف اضافه‌ای؛ (۶) توالی فعل و قید حالت؛ (۷) توالی فعل اسنادی و گزاره/مسند؛ (۸) توالی

فعل خواستن و فعل بند پیرو؛ ۹) توالی موصوف و صفت؛ ۱۰) توالی صفت اشاره و اسم؛ ۱۱) توالی قید مقدار و صفت؛ ۱۲) توالی فعل اصلی و فعل کمکی زمان-نمود؛ ۱۳) توالی ادات استفهام و جمله؛ ۱۴) توالی پیرونمای بند قیدی/حرف ربط قیدی و بند؛ ۱۵) توالی حرف تعریف و اسم؛ ۱۶) توالی فعل و فاعل؛ ۱۷) توالی عدد و اسم؛ ۱۸) توالی وند زمان-نمود و ستاک فعل.

علاوه بر ۱۸ مؤلفه فوق پنج مؤلفه دیگر از پایگاه داده‌های درایر و همچنین از اطلاعاتی که درایر در اختیار دبیرمقدم قرار داده بود، انتخاب شد. این پنج مؤلفه در زبان پشتو به شرح ذیل اند: ۱) توالی اسم و تکواژ آزاد ملکی؛ ۲) توالی فعل اصلی و فعل‌های کمکی با معنی «توانستن»؛ ۳) توالی متمم‌نما و جمله متمم؛ ۴) جایگاه پرسش‌واژه/ادات استفهام؛ ۵) توالی وند منفی‌ساز و ستاک فعل. همچنین، مؤلفه‌ای دیگر که عبارت است از توالی مفعول-فعل از کتاب رده‌شناسی زبان‌های ایرانی (دبیرمقدم، ۱۳۹۳) انتخاب شد. در نتیجه ترتیب واژه‌های زبان پشتو بر بنیاد ۲۴ مؤلفه فوق بررسی شد. درایر (۱۹۹۲) برای هر یک از مؤلفه‌هایی که ذکر آن رفت جدولی جداگانه ارائه نموده و در این جدول‌ها زبان‌های جهان را به شش منطقه جغرافیائی تقسیم کرده‌است. زبان پشتو متعلق به جغرافیای اروپا-آسیاست، پس مؤلفه‌های فوق نخست با جغرافیای اروپا-آسیا بررسی شد و سپس با ستون جمع آن که زبان‌های جهان را نشان می‌دهد. نتایج حاصل از بررسی مؤلفه‌ها در جدول شماره ۱ و ۲ نمایش داده شده‌است:

جدول ۱ زبان پشتو در مقایسه با زبان‌های اروپا- آسیا

ردہ	مؤلفہ
۱	↓
۲	↓
۳	↓
۴	↓
۵	↓
۶	↓
۷	↓
۸	↓
۹	
۱۰	
۱۱	
۱۲	↓
۱۳	↓
۱۴	↓
۱۵	↓
۱۶	↓
۱۷	؟
۱۸	؟
۱۹	↓
۲۰	↓
۲۱	↓
۲۲	↓
۲۳	↓
۲۴	↓
جمع	
۱۶	فعل پایانی قوی
۹	فعل پایانی ضعیف
۱۰	فعل میانی ضعیف
۱۵	فعل میانی قوی

جدول ۲ زبان پشتو در مقایسه با زبان‌های جهان

ردہ	مؤلفہ	
	↓	↑
جمع	۱	↓
	۲	↓
	۳	↓
	۴	↓
	۵	↓
	۶	↓
	۷	↓
	۸	↓
	۹	
	۱۰	
فعل پایانی قوی	۱۱	
	۱۲	↓
	۱۳	↓
	۱۴	↓
	۱۵	↓
	۱۶	↓
	۱۷	؟
	۱۸	؟
فعل میائی ضعیف	۱۹	↓
	۲۰	↓
	۲۱	↓
	۲۲	↓
	۲۳	↓
	۲۴	↓
فعل میائی قوی	۲۵	↓
	۲۶	↓
	۲۷	↓
	۲۸	↓

در جدول شماره ۱ هر ستون (به‌جز شماره ۲۳) با توجه به وضعیت گروه زبان‌های آسیا-اروپا در ستون‌های ۱-۳ و ۳-۲۳ علامت‌گذاری شده‌است. درباره ستون شماره ۲۳ (توالی مفعول و فعل) یادآور می‌شود که این مؤلفه را درایر به دبیرمقدم توصیه کرده، به همین دلیل برای آن جدول ارائه نشده‌است. اما از آنجاکه در زبان پشتو مفعول اسمی پیش از فعل و مفعول بندی پس از آن قرار می‌گیرد، در جدول ۱ و ۲ خانه‌های قوی علامت‌گذاری شده‌است. برای مثال در مورد مؤلفه ۳ که ترتیب مضاف و مضاف‌الیه را نشان می‌دهد، نخست باید ترتیب مضاف و مضاف‌الیه را معلوم کنیم که در زبان پشتو مضاف‌الیه قبل از مضاف می‌آید. در قدم دوم به ستون مؤلفه ۳ مراجعه می‌کنیم که چهار ترتیب در آن ذکر شده‌است، اما فقط دو ترتیب آن (فعل پایانی و مضاف‌الیه-مضافه) و (فعل میانی و مضاف‌الیه-مضاف) مربوط به وضعیت زبان پشتو می‌شود.

در قدم سوم قوت هر دو ترتیب را در ستون آسیا-اروپا مشاهده می‌کنیم که عدد بالایی قوت و عدد پائین ضعف را نشان می‌دهد، مثلاً در فعل پایانی مضاف‌الیه-مضاف بیشترین عدد ۲۱ است که این عدد در جفت «فعل پایانی مضاف-مضاف‌الیه» عدد ۳ است، در نتیجه زبان پشتو با ترتیب (مضاف‌الیه-مضاف) فعل پایانی قوی محسوب می‌شود. در مقابل، در جفت فعل میانی و مضاف‌الیه-مضاف این عدد ۴ و در فعل میانی و مضاف-مضاف‌الیه عدد ۵ است. پس با توجه به ترتیب مضاف‌الیه-مضاف و با در نظر داشت عدد ۲۱ زبان پشتو فعل پایانی قوی و با در نظر داشت عدد ۴ فعل میانی ضعیف است که طبق آن در جدول شماره ۱ در ستون ۳ فعل پایانی قوی و فعل میانی ضعیف علامت‌گذاری شده‌است.

به این ترتیب همه ستون‌های جدول شماره ۱ علامت‌گذاری می‌شود. در پایان تعداد علامت‌های هر ردیف در ستون اخیر با هم جمع می‌شود. وقتی بخواهیم وضعیت مؤلفه‌ها را با زبان‌های جهان مقایسه کنیم همین ستون آخر را در نظر می‌گیریم و هر مؤلفه را طبق توضیحاتی که در بالا ارائه شد با ستون آخر هر جدول می‌سنجیم. در جدول شماره ۱ که زبان پشتو با زبان‌های منطقه آسیا-اروپا مقایسه شده‌است، ستون جمع این جدول نشان می‌دهد که زبان پشتو تمایل به فعل پایانی قوی دارد و همچنین جدول شماره ۲ در مقایسه با زبان‌های جهان نشان می‌دهد که گرایش زبان پشتو بین زبان‌های فعل پایانی قوی و فعل میانی قوی مساوی است.

۵. نتیجه‌گیری

مقایسه مؤلفه‌های زبان پشتو با گروه زبان‌های اروپا-آسیا نشان داد که تعداد مؤلفه‌های فعل پایانی نسبت به تعداد مؤلفه‌های فعل میانی بیشتر است، یعنی زبان پشتو در هشت مورد ویژگی‌های زبان‌های فعل پایانی قوی و در هفت مورد دیگر ویژگی‌های زبان‌های فعل میانی قوی را دارد. بررسی داده‌های ترتیب واژه‌ها نشان می‌دهد که زبان پشتو با توجه به هفت مؤلفه دیگر هم فعل پایانی قوی و هم فعل میانی قوی را دارد، یعنی در هفت مؤلفه ذکر شده این وضعیت با هم مساوی است. جدول ۱ همچنین نشان می‌دهد که زبان پشتو در یک مورد (مؤلفه ۱۸) بین رده فعل پایانی قوی و فعل میانی قوی وضعیت بینابین دارد، زیرا هر چهار صورت آن در زبان پشتو وجود دارد. آخرین ستون جدول ۱ نشان می‌دهد که زبان پشتو در مقایسه با زبان‌های اروپا-آسیا دارای ۱۶ مؤلفه زبان‌های رده فعل پایانی قوی و ۱۵ مؤلفه زبان‌های رده فعل میانی قوی است، یعنی فعل پایانی قوی در یک مؤلفه بیشتر از فعل میانی قوی است که تمایل زبان پشتو را به رده فعل پایانی قوی نشان می‌دهد.

با مقایسه جدول ۱ و ۲ می‌بینیم که زبان پشتو در مقایسه با زبان‌های جهان در پنج مورد تفاوت دارد. مؤلفه ۲، توالی هسته اسمی و بند موصولی، در مقایسه با زبان‌های اروپا-آسیا فعل پایانی ضعیف و فعل میانی قوی است، اما این مؤلفه در رابطه با زبان‌های جهان فعل پایانی قوی و فعل میانی قوی است. مؤلفه ۹، توالی موصوف و صفت، در مقایسه با زبان‌های اروپا-آسیا فعل پایانی قوی و فعل میانی قوی است، اما این مؤلفه در رابطه با زبان‌های جهان فعل پایانی ضعیف و فعل میانی ضعیف است. مؤلفه ۱۵، توالی حرف تعریف و اسم، در مقایسه با زبان‌های اروپا-آسیا فعل پایانی قوی و فعل میانی قوی است، اما در مقایسه با زبان‌های جهان فعل پایانی ضعیف و فعل میانی قوی است. همچنین، در مؤلفه ۱۷، توالی عدد و اسم، در مقایسه با زبان‌های اروپا-آسیا فعل پایانی قوی و فعل میانی قوی است و در مقایسه با زبان‌های جهان در جدول‌هایی که از سوی درایر (1992) ارائه شده است، سه صورت دارد (فعل پایانی قوی ۵۲، فعل پایانی ضعیف ۵۲ و فعل میانی قوی ۵۳). در این مقایسه، اعداد ۵۲ نشان می‌دهد که این دو ترتیب با هم مساوی‌اند. مؤلفه ۱۹، توالی اسم و تکواژ آزاد ملکی، در مقایسه با زبان‌های اروپا-آسیا فعل پایانی ضعیف و فعل میانی ضعیف است، اما در مقایسه با زبان‌های جهان فعل پایانی ضعیف و فعل میانی قوی است. نهایتاً از مقایسه جدول ۱ و ۲ معلوم می‌شود که زبان پشتو در مقایسه با زبان‌های جهان در پنج مورد متفاوت و در ۱۹ مورد دارای اشتراک است.

منابع

- دیرمقدم، محمد (۱۳۹۳)، رده‌شناسی زبان‌های ایرانی، تهران، سمت.
- راسخ مهند، محمد (۱۳۹۳)، فرهنگ توصیفی نحو، تهران، علمی.
- رشتین، صدیق‌الله (۱۳۷۲)، پشتو گرامر، ترجمه سید محی‌الدین هاشمی، پیشاور، یونیورسیتی بُک ایجنسی.
- زیار، مجاور احمد (۱۳۸۴)، پشتو پشویه، کابل، دانش.
- شافیف، د. ا. (۱۳۵۲)، د پشتو ژبی لند گرامر، ترجمه دولت محمد لودین، جلال آباد، ختیز.
- نیازی، رفیع‌الله (۱۴۰۱)، د آریایی ژبو نسی څېړنه، کابل، اکادمی علوم.
- Babrazkai, F. (1999, doctoral dissertation), Topics in Pashto Syntax, University of Hawai'i at Manoa, Linguistic Retrieved from: <https://www.proquest.com/openview/863ee4d747ac61427db0b8cea1ce11/1?cbl=18750&diss=y&pq-origsite=gscholar>.
- Dryer, M. (1992), "The Greenbergian Word Order Correlations", *Language*, vol. 68, no. (1), pp. 81-138.
- _____ (2007), "The Branching Direction Theory of Word Order Correlations Revisited" in S, Scalise, Magni and Bisetto (eds.), *Universals of Language Today*, pp. 185-209.
- Greenberg, J. H. (1963), "Some Universals of Grammar with Particular Reference to the Order of Meaningful Elements", in J. Greenberg (ed.), *Universals of Language*, pp. 73-113.
- _____ (1974). *Language Typology* (a Historical and Analytic overview), Paris, Mouton.
- Grjunberg, A. L. (1987), *An Outline of the Grammar of the Afghan Language* (Pashto), Leningrad, Nauka.
- Hawkins, J. A. (1983), *Word Order Universal* (Quantative Analyses of Linguistic Structure), Academic Press.
- Jakobson, R. (1941), *Kindersprache, Aphasia Und allgemeine Lautgesetz*, Uppsala.
- _____ (1941), *Les Lois Phoniques du lange enfantin et Leur place dans la phonologie generale*, Mouton, The Hague.
- Khan, M. K. and N. H. Bukhari (2012), "SOV Word Order in Pashto (Optimality theoretic analysis)", *Kashmir Journal of language Research*, Retrieved 30 June 2012 from: <https://www.thefreelibrary.com/SOV+Word+Order+in+Pashto%3a+Optimality+Theoretic+Analysis.-a0336521225>
- MacKenzie, D. N. and A. B. David (1947), "Pashto", In B, Comrie (3 ed.), *The World's Doctoral dissertation Major Language*. pp. 470- 495.
- Penzl, H. (1955), *A Grammar of Pashto* (A Descriptive Study of the Dialect of Kandahar, Afghanistan), Trans. Mohammad-alrahim Elham, Kabol, Danesh.
- Roberts, T. (2000, doctoral dissertation), *Clitics and Agreement*, America Massachusetts Institute of Technology (MIT).

- Tegey, H. (1977, doctoral dissertation), *The Grammar of Clitics (Evidence from Pashto and Other Language)*, Washington D.C, Center for applied linguistics. University of Illinois at Urbana-Champaign, linguistics Department, Retrieved from: <https://www.proquest.com/openview/59299302edd87603bed6c957b79560b5/1.pdf?pq-origsite=gscholar&cbl=18750&diss=y>
- _____ (1978), "Ergativity in Pashto (Afghani)", *Pashto Quarterly*, no. 1, 3.
- Tegey, H. and R. Barbera (1996), *A Reference Grammar of Pashto*, Washington D. C., Center for Applied Linguistics.

References

- Sources are in Persian unless otherwise specified.
- Dabir-Moqaddam, Mohammad (2014), *Typology of Iranian Languages*, Tehran, Samt.
- Niyazi, Rafiollah (2022), *A Comparative Study of Aryan Language*, Kabul, The Academy of Sciences.
- Rasekh-Mahand, Mohammad (2014), *A Syntactic Descriptive Dictionary*, Tehran, Elmi.
- Reshtin, Sadiqollah (1993), *A Grammar of Pashto*, Trans. Seyyed Mohiuddin Hashemi, Peshavar, University Book Agency.
- Shafeev, D. A. (1973), *Short Grammar of Pashto Language*, Trans. Dowlat-Mohammad Ludin, Jalal Abad, Khatiz.
- Zyar, Mojawar-Ahmad (2005), *Pashto Grammar*, Kabul, Danish.